

مقایسه‌ی رهیافت‌های مقابله مذهبی و غیرمذهبی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مقطع دبیرستان شهر تبریز

دکتر میرمحمد میرنسب - استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی و مقایسه‌ی انواع رهیافت‌های مقابله‌ای مذهبی و غیرمذهبی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر تبریز انجام گرفت. ۲۴۰ دانش‌آموز تیزهوش و عادی مقطع دبیرستان (۱۲۰ دانش‌آموز تیزهوش و ۱۲۰ دانش‌آموز عادی) با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های تنیدگی‌زای زندگی برای بررسی انواع رهیافت‌های مقابله‌ای (اقدامی و اسنادی) مورد استفاده اجرا شد. تحلیل داده‌های حاصل با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره، حاکی از آن است که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در تمام محورهای مقابله‌ای اقدامی پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی به جز محور اقدام شخصی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. علاوه بر آن تفاوت محورهای مقابله اسنادی به جز در محور اسناد اجتماعی نیز معنی‌دار است. بدین ترتیب که در موقعیت‌های چالش‌انگیز، دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش از رهیافت‌های

مقابله‌ای بیشتری استفاده می‌کنند. یافته‌های مطالعه با تأکید بر استفاده دانش‌آموزان از رهیافت‌های مقابله‌ای مذهبی در موقعیت‌های منفی و تهدیدکننده سلامتی مورد بحث قرار می‌گیرند و انجام پژوهش با گروه‌های غیردانش‌آموزی، افراد بزرگسال و توجه به رابطه مؤلفه‌های سازگاری روان‌شناختی را با انواع رهیافت‌های مقابله‌ای در افق تحقیقات آینده نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: رهیافت‌های مقابله‌ای، دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، مقابله مذهبی و غیرمذهبی.

در برخورد با موقعیت‌ها و رویدادهایی که برای سلامت روان‌شناختی انسان تهدیدکننده یا چالش‌انگیز در نظر گرفته می‌شوند پاسخ‌های متفاوتی از وی بروز می‌یابند. این پاسخ‌ها بر حسب عواملی مانند سن، جنسیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، باورهای مذهبی می‌توانند متفاوت باشند؛ اما، به طور کلی پاسخ انسان به این موقعیت‌ها را می‌توان در قالب سه بعد کلی همپوش توضیح داد: رفتاری، شناختی، عاطفی .

بنابراین در مواجهه با یک موقعیت تنیدگی‌زا، چالش‌انگیز یا تهدیدآمیز (مانند بیماری، شکست در امتحان، بلایای طبیعی و ...) فرد ممکن است با سعی و تلاش خود در جهت رفع تهدید اقدام یا از دیگران استمداد کند و ... (بعد رفتاری یا عملی) و یا با توسل به عواملی نظیر شانس، طبیعت، افراد مهم و نیروهای مذهبی در صدد یافتن توضیحی قابل قبول برای آن باشد (بعد شناختی یا فکری). در عین حال فردی که در آن موقعیت قرار می‌گیرد حالتی مانند اضطراب، افسردگی، ناامیدی، خشم و ... را تجربه خواهد کرد. در چنین شرایطی گفته می‌شود فرد مورد نظر از رهیافت‌های مقابله‌ای^۱ در برخورد با موقعیت یا رویداد استفاده کرده است.

1- Coping strategies

رهیافت‌های مقابله‌ای، به مجموعه اعمال یا فرآیندهای فکری (یا شناختی) اطلاق می‌شوند که افراد در برخورد با موقعیت‌ها و شرایط تنیدگی‌زای نامطلوب یا در تغییر واکنش‌های خود به چنین موقعیت‌هایی از آنها استفاده می‌کنند (کرسینی^۱، ۲۰۰۲).

پژوهشگران (فولکمن و لازاروس^۲، ۱۹۸۰؛ فولکمن و موسکوتیز^۳، ۲۰۰۰ به نقل از وستن^۴، ۲۰۰۲) دو یا سه نوع اصلی از رویافت‌های مقابله‌ای را متمایز کرده‌اند؛ رویافت‌هایی که هدفشان تغییر شرایط تنیدگی‌زاست مساله محور^۵ نام دارند اما دو نوع دیگر شامل تلاش برای تغییر نحوه تفکر خود در باره موقعیت و یا تغییر پیامدهای عاطفی نامطلوب تنیدگی می‌شود؛ این گونه رویافت‌های مقابله‌ای، هیجان‌محور^۶ نام دارند و هدف اصلی آنها تنظیم عواطف ایجاد شده در اثر تجربه عامل تنیدگی‌زاست (وستن، ۲۰۰۲).

عوامل متعددی می‌توانند در انتخاب نوع روش مقابله موثر باشند. از بین این عوامل نوع باور مذهبی^۷ افراد حائز اهمیت است. مطالعات نشان داده‌اند که باور مذهبی افراد می‌تواند به آنان در جهت مقابله با شرایط تنیدگی‌زا کمک کند (اسپیلکا^۸، ۱۹۸۹، بیت و آرجیل^۹، ۱۹۹۶، پارگامنت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۱، پپیتون و سافیوتی^{۱۱}، ۱۹۹۷).

بر این اساس، می‌توان دو نوع رویافت مقابله‌ای - مذهبی و غیرمذهبی را مطرح کرد. در شرایط تنیدگی‌زا، افراد ممکن است از روش‌های مقابله‌ای غیرمذهبی و طبیعت‌گرایانه استفاده کنند ولی آنان - مخصوصاً افراد واجد باورهای مذهبی قوی - گاهی به استفاده از رویافت‌های مقابله مذهبی^{۱۲} روی می‌آورند. مقابله مذهبی به عنوان قلمرویی تعریف می‌شود که در آن افراد، باورها و اعمال مذهبی را مورد استفاده قرار

1- Corsini

3- Folkman & Mosquitz

5- problem-focused coping strategies

7- religious belief

9- Beit & Argyle

11- Pepitone & Saffiotti

2- Folkman & Lazarus

4- Westen

6- emotion-focused coping strategies

8- Spilka

10- Pargament et al

12- religious coping

می‌دهند تا به مقابله با شرایط و رویدادهای تنیدگی‌زا اقدام کنند (کونینگ و همکاران^۱، ۱۹۹۷). افراد از مقابله مذهبی استفاده می‌کنند تا برای موقعیت یا رویداد مورد نظر معنا دهند و حس کنترل و حرمت خود را افزایش دهند (اسپیلکا، ۱۹۸۹).

در واقع، باور مذهبی انسان، به وی حس کنترل نیابتی می‌دهد و سلامت روانی فرد را افزایش می‌دهد مثلاً وقتی فرد معنوی واسطه‌ی رنج و خدا قرار می‌گیرد، فرد دریافت‌کننده، یک حس کنترل فزاینده روی موقعیت احساس می‌کند (اسپیلکا، اسپانگلر و ریا^۲، ۱۹۸۱؛ به نقل از اسپیلکا، ۱۹۸۹). از سوی دیگر، باور مذهبی یک حس کنترل تفسیری ارایه می‌کند تا بدان وسیله فرد درگیر در موقعیت به معنا، کنترل و حرمت خود دست یابد. باور مذهبی به فرد کمک می‌کند تا در مواردی که نمی‌تواند رنج را از بین ببرد آن را توجیه کند و از آن طریق به احساس کنترل دست یابد (به نقل از اسپیلکا، ۱۹۸۹).

براساس این مبانی نظری، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد در مواجهه با شرایط تنیدگی‌زا از رهیافت‌های مقابله به خصوص رهیافت‌های مقابله مذهبی استفاده می‌کنند برای مثال، هاتاوی و پارگامنت^۳ (۱۹۹۱ به نقل از والستون و همکاران^۴، ۱۹۹۹) مقابله را با توجه به تعبیر و تفسیر خدا و فرد به عنوان فعال یا منفعل مطرح کرده‌اند:

سبک مقابله به تعویق انداخته^۵ که در آن فرد منفعل است و مسؤولیت مقابله به خدا واگذار می‌شود.

سبک مقابله خود رهبری^۶ که در آن فرد فعال است و خدا منفعل در نظر گرفته می‌شود.

سبک مقابله مشارکتی^۷ که در آن هم خدا و هم فرد فعال هستند و برای کاهش تنیدگی عمل می‌کنند.

1- Coening et al

3- Hathaway & pargament

5- Defering coping style

7- collaborative coping style

2- Spilka., Spangler & Ria

4- Wallston et al

6- self-directing coping style

پژوهش‌های دیگر حاکی از آنند که استفاده از رهیافت‌های مقابله مذهبی در شرایط تنیدگی‌زا، با سازگاری و بهزیستی روان‌شناختی فرد رابطه‌ی مثبت دارند (مانند پیپر^۱، ۲۰۰۴، هایدن، وانگ سو، داگلاس^۲ ۲۰۰۳، کولچاکیان و سیرز^۳، ۱۹۹۹). بنابراین، استفاده از این رهیافت‌ها، می‌توانند به افراد در جهت کاهش تنیدگی و رفع مشکلات کمک کنند.

دانش‌آموزان در طول زندگی و تحصیل با مشکلات و عوامل تنیدگی‌زای متعدد مواجه می‌شوند، استفاده از رهیافت‌های مقابله‌ای می‌توانند به آرامش روانی آنان کمک کنند. در عین حال، باید توجه داشت که نوع رهیافت مقابله‌ای مورد استفاده بر حسب عوامل شناختی، عاطفی، خانوادگی و بافتی دانش‌آموزان متفاوت می‌باشد و هوش به عنوان یکی از مؤلفه‌های شناختی می‌تواند تفاوت در رهیافت‌های مقابله‌ای را توجیه کند. در این صورت می‌توان گفت دانش‌آموزان تیزهوش از روش‌های مقابله‌ای متفاوتی سود می‌جویند. مطالعات مختلف نیز مؤید آنند که این دانش‌آموزان از رهیافت‌های مقابله‌ای مختلف استفاده می‌کنند (سویاتک^۴، ۱۹۹۵، پریوس و دابو^۵، ۲۰۰۴) و استفاده از آنها به سلامت و سازگاری روان‌شناختی شان کمک می‌کند (سولدو، شانسی و هادرستی^۶، ۲۰۰۸).

با توجه به مشکلات دانش‌آموزان تیزهوش^۷ و نیز حساسیت معنوی آنها (لوکی^۸، ۱۹۹۸) به نظر می‌رسد که رهیافت‌های مقابله‌ای (به خصوص مقابله مذهبی) می‌توانند در رفع (یا حداقل کاهش) اثر عوامل تنیدگی‌زا و افزایش سلامت روان‌شناختی آنان موثر باشند. پریوس و دابو (۲۰۰۴) در تحقیقی، به مقایسه‌ی پاسخ‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی به عوامل تنیدگی‌زای مرتبط با مدرسه و همسالان پرداخته‌اند. نتایج مطالعه‌ی آنان استفاده بیشتر دانش‌آموزان تیزهوش از رهیافت‌های

1- Pieper
3- Kolchakian & Sears
5- Preuss & Dubow
7- gifted students

2- Hyden., Kwang-Soo & Douglas
4- Swiatek
6- Suldo, Shaunessy & Hardesty
8- Lovecky

مقابله‌ای مسأله محور را در مقایسه با دانش‌آموزان عادی نشان می‌دهد؛ براساس درجه‌بندی معلمان، این دسته از دانش‌آموزان سازگاری تحصیلی و اجتماعی بهتری را نشان می‌دهد.

با توجه به مشکلات دانش‌آموزان و تأثیر عوامل تنیدگی‌زای مختلف بر آنان، هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی رهیافت‌های مقابله‌ای مذهبی و غیرمذهبی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی است، انجام این مطالعه را با توجه به دلایل زیر می‌توان توجیه کرد:

باتوجه به مشکلات متعددی که دانش‌آموزان تجربه می‌کنند، استفاده از رهیافت‌های مقابله‌ای مناسب می‌تواند به کاهش تنیدگی و مشکلات روان‌شناختی کمک کند و سلامت روانی آنان را افزایش دهد.

نحوه‌ی پاسخ‌دهی افراد به عوامل و شرایط تنیدگی تا حد زیادی به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند بستگی دارد؛ به عبارت بهتر، بافت فرهنگی می‌تواند به استفاده از رهیافت‌های مقابله‌ای متفاوت منجر شود. بنابراین، می‌توان روش‌های مقابله‌ای متناسب با فرهنگ را در افراد تقویت نمود.

چون در این پژوهش از پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی استفاده شده است نتایج مطالعه می‌توانند مؤید روایی تفکیکی بیشتر این پرسشنامه باشد.

روش

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، از نوع توصیفی و طرح پژوهش از نوع پس‌رویدادی (علی مقایسه‌ای) است. در این طرح، علت از قبل رخ داده و مطالعه آن از طریق اثرش بر متغیر دیگر مد نظر قرار می‌گیرد (دلاور، ۱۳۷۴). در این تحقیق دو گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از لحاظ تفاوت در نوع رهیافت‌های مقابله‌ای مذهبی و غیرمذهبی (محورهای اقدامی - اسنادی) مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

جامعه و نمونه‌ی آماری

با توجه به اینکه این پژوهش با دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر تبریز صورت گرفته است، جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر تبریز در مقطع دبیرستان می‌باشند. از جامعه‌ی آماری دانش‌آموزان تیزهوش، ۱۲۰ نفر با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، همچنین، از بین دانش‌آموزان عادی مناطق مختلف شهر تبریز نیز با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۱۲۰ نفر انتخاب شدند. در هر گروه نمونه، ۶۰ دانش‌آموز دختر و ۶۰ دانش‌آموز پسر حضور داشتند.

ابزار پژوهش

به منظور بررسی تفاوت رهیافت‌های مقابله مذهبی و غیرمذهبی، پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی برای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی اجراء شد (این پرسشنامه توسط گروه پژوهش‌های روان‌شناسی مذهب در دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تهیه شده است).

پرسشنامه حاوی ۱۰ آیتم است. در هر آیتم، نخست یک موقعیت مفروض برای پاسخ دهنده ارایه می‌شود، سپس سه حیطة واکنشی (اقدام - اسناد - حالات) مورد سوال قرار می‌گیرند:

الف) نخست نوع اقدام عملی فرد در مواجهه با موقعیت مفروض به تفکیک پنج محور (محورهای اقدامی) مورد سؤال قرار می‌گیرد که عبارتند از:

- اقدام و تلاش خود شخص در مواجهه با موقعیت مفروض یا رویداد (اقدام شخصی)؛
- اقدام فرد در جهت کمک خواستن از افراد دیگر (اقدام اجتماعی)؛
- اقدام عملی فرد در جهت کمک گرفتن از عوامل طبیعی (اقدام طبیعتی)؛

- اقدام و تلاش خود شخص همراه با کمک خواستن از خداوند (اقدام توکلی - محور مذهبی فعال)؛

- اقدام فرد در جهت کمک خواستن از خداوند (اقدام تفویضی - محور مذهبی منفعل).
ب) نوع پاسخ شناختی فرد یا اسناد او در برخورد با آن موقعیت مفروض نیز در قالب پنج محور اسنادی ارایه می گردد:

- اسناد به تلاش خود (اسناد شخصی)؛

- اسناد به افراد دیگر (اسناد اجتماعی)؛

- اسناد به عوامل طبیعی مانند شانس (اسناد طبیعی)؛

- اسناد به خداوند و تلاش شخصی (اسناد توکلی - محور اسناد مذهبی فعال)؛

- اسناد به خداوند (اسناد تفویضی - محور اسناد مذهبی منفعل).

ج) حیطه‌ی سوم، شامل تجربه حالات احساسی توسط فرد، متعاقب ارایه‌ی نوع خاصی از اقدام و اسناد است و شامل محورهای امید در مقابل ناامیدی، صبر و تحمل در مقابل اعتراض و عصیان و آرامش در مقابل اضطراب و تشویش است (با توجه به اینکه در این پژوهش، حالات احساسی و عاطفی دانش‌آموزان مد نظر قرار نگرفته است، داده‌های این بخش از پرسشنامه ارایه نخواهد شد).

مطالعات روان‌سنجی پرسشنامه‌ی مزبور نتایج مطلوبی را ارایه می‌دهند. نتایج آلفای کرونباخ برای بعد اقدام ۸۱٪ و برای بعد اسناد ۷۸٪ بوده است. همسانی درونی کل آزمون نیز ۸۴٪ می‌باشد. همچنین، شواهدی برای روایی افتراقی این پرسشنامه با مطالعه‌ی آن روی گروه‌های دانشجویان (غباری بناب، ۱۳۷۸) ارایه شده است.

روش

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل نتایج این پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شده‌اند. به منظور مقایسه رهیافت‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی (دختر و پسر)، نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) برای محورهای ابعاد اقدامی و اسنادی ارائه شده‌اند.

نتایج

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار محورهای اقدام و اسناد پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی را برای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی نشان می‌دهد. بر اساس این جدول ملاحظه می‌شود که در دانش‌آموزان تیزهوش، اقدام شخصی دارای بالاترین میانگین است ($M=36/86$) سپس اقدام توکلی ($M=35/03$) قرار دارد و اقدام طبیعتی پایین‌ترین میانگین را داراست ($M=24/65$). در محورهای اسنادی نیز اسنادهای مذهبی (توکل و تفویضی) در مقایسه با اسنادهای غیرمذهبی (شخصی، اجتماعی و طبیعتی) از میانگین بالاتری برخوردارند. در دانش‌آموزان عادی، محور اقدام شخصی ($M=36/93$) و اقدام توکلی ($M=36/58$) از میانگین بالاتری نسبت به سایر محورها برخوردارند و اقدام طبیعتی پایین‌ترین میانگین را دارد ($M=26/84$). در دانش‌آموزان عادی نیز محورهای اسناد مذهبی در مقایسه با محورهای اسناد غیرمذهبی از میانگین بالاتری برخوردارند. مقایسه‌ی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی حاکی از آن است که میانگین تمام محورهای اقدامی و اسنادی در دانش‌آموزان عادی بیشتر از دانش‌آموزان تیزهوش است.

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز }
 سال پنجم شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۹ }

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار محورهای اقدامی، اسنادی و حالاتی به تفکیک نوع دانش -
 آموز (تیزهوش و عادی)

شاخصها		دانش آموزان تیزهوش		دانش آموزان عادی	
محورها	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شخصی	اقدام	۳۶/۸۶	۲/۴۸	۳۶/۹۳	۲/۶۴
	اسناد	۲۵/۹۸	۳/۶۱	۲۷/۳۶	۴/۰۳
اجتماعی	اقدام	۳۱/۷۵	۳/۵۱	۳۲/۱۵	۳/۵۱
	اسناد	۲۸/۲۲	۴/۲۵	۲۸/۹۸	۴/۶۴
طبیعی	اقدام	۲۴/۶۵	۵/۶۳	۲۶/۸۴	۵/۴۴
	اسناد	۲۸/۳۴	۳/۴۵	۲۹/۸۹	۳/۸۵
تفویضی	اقدام	۲۵/۸۴	۵/۹۷	۳۱/۴۴	۵/۲۷
	اسناد	۳۰/۷۰	۶/۰۷	۳۲/۶۶	۵/۰۲
توکلّی	اقدام	۳۵/۰۳	۴/۰۳	۳۶/۵۸	۲/۱۷
	اسناد	۳۰/۶۵	۴/۶۲	۳۳/۴۵	۲/۵۳

به منظور آرایه نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA)، بررسی پیش فرض‌های این تحلیل مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس، مقدار شاخص آزمون ام باکس حاکی از برابری ماتریس‌های واریانس - کوواریانس متغیرهای وابسته در بین گروه‌ها بود. نتایج حاصل از آزمون لون نیز مبین آن بود که گروه‌های مورد مقایسه از لحاظ واریانس درون گروهی تفاوت معنی‌داری با همدیگر ندارند. با توجه به تحقق پیش فرض‌های این شیوه تحلیل، نتایج حاصل آرایه شده‌اند.

در جدول ۲، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) اثر عامل نوع دانش آموز (تیزهوش و عادی) بر کل محورهای اقدامی آرایه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نتایج آزمون‌ها برای کل محورهای اقدامی معنی‌دار است ($P < 0/01$ $F = 11/93$).

جدول (۲) نتایج مانووا برای اثر عامل نوع دانش آموز (تیزهوش و عادی) بر کل محورهای اقدامی

نام آزمون	ارزش	F تخمینی	درجه آزادی	سطح معنی داری
پیلایی	۰/۲۱۰۴۲	۱۱/۹۳۸۶۹	۵/۰۰	۰/۰۰۰
هوتلینگ	۰/۲۶۶۴۹	۱۱/۹۳۸۶۹	۵/۰۰	۰/۰۰۰
ویلکز	۰/۷۸۹۵۸	۱۱/۹۳۸۶۹	۵/۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به معنی دار بودن تفاوت‌ها برای کل محورهای مقابله اقدامی، نتایج تحلیل تک متغیره برای بررسی تفاوت در نوع اقدام‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که به جز در محور اقدام شخصی، تفاوت معنی داری بین دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در سایر محورهای اقدامی وجود دارد.

با توجه به جدول داده‌های توصیفی (جدول شماره ۱) ملاحظه می‌شود که به جز در محور اقدام شخصی، میانگین نمرات محورهای اقدامی برای دانش‌آموزان عادی بالاتر از دانش‌آموزان تیزهوش است. در محور اقدام اجتماعی، میانگین دانش‌آموزان عادی ($M=33/15$) به طور معنی‌داری از دانش‌آموزان تیزهوش ($M=31/75$) بالاتر است ($F(1/229)=8/99, P<0/01, M=26.84$) در محور اقدام طبیعتی، دانش‌آموزان عادی ($M=26.84$) در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش ($M=24/65$) میانگین بالاتری دارند ($F(1/229)=8/68, P<0/01, M=31/44$) به طور معنی‌داری میانگین بالاتری از دانش‌آموزان تیزهوش ($M=25/84$) دارند ($F(1/229)=56/97, P<0/01$) و سرانجام، در اقدام توکلی (محور رهیافت مقابله مذهبی فعال) میانگین دانش‌آموزان عادی ($M=36/58$) از دانش‌آموزان تیزهوش ($M=35/03$) بیشتر است ($F(1/229)=13/65, P<0/01$).

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز }
 سال پنجم شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۹ }

جدول (۳) نتایج آزمون F تک متغیری برای گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در محورهای اقدامی پنجگانه

شاخص‌ها	SS	MS	F	Sig	ابعاد
اقدام شخصی	۰/۶۰۶۷۱	۰/۶۰۶۷۱	۰/۰۹۲۰۲	۰/۷۶۲	
اقدام اجتماعی	۱۱۰/۱۱۹۹۵	۱۱۰/۱۱۹۹۵	۸/۹۹۶۵۰	۰/۰۰۳	
اقدام طبیعی	۲۶۵/۲۲۷۲۲	۲۶۵/۲۲۷۲۲	۸/۶۸۱۹۰	۰/۰۰۴	
اقدام تفویضی	۱۷۷۳/۷۱۳۷۷	۱۷۷۳/۷۱۳۷۷	۵۶/۹۷۷۲۹	۰/۰۰۰	
اقدام توکلی	۱۳۹/۷۷۰۸۸	۱۳۹/۷۷۰۸۸	۱۳/۶۵۰۱۱	۰/۰۰۰	

در جدول شماره ۴، نتایج مانووا برای بررسی تفاوت محورهای اسنادی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی ارائه شده است.

جدول (۴) نتایج مانووا اثر عامل نوع دانش‌آموز (تیزهوش و عادی) بر کل محورهای اسنادی

نام آزمون	ارزش	F تخمینی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پیلایی	۰/۱۴۰۸۱	۷/۳۷۴۹۲	۵/۰۰	۰/۰۰۰
هوتلینگ	۰/۱۶۳۸۹	۷/۳۷۴۹۲	۵/۰۰	۰/۰۰۰
ویلکز	۰/۸۵۹۱۹	۷/۳۷۴۹۲	۵/۰۰	۰/۰۰۰

نتایج آزمون معنی‌داری برای کل محورهای اسنادی معنی‌دار است. بنابراین به منظور ملاحظه تفاوت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، در هر یک از محورهای پنجگانه اسنادی به طور جداگانه، نتایج آزمون F تک‌متغیری در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول (۵) نتایج آزمون F تک متغیری برای گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در محورهای اسنادی پنجگانه

شاخص‌ها	SS	MS	F	Sig	ابعاد
اقدام شخصی	۱۱۲/۲۱۷۷۶۸	۱۱۲/۲۱۷۷۶۸	۷/۶۴۹۲۳	۰/۰۰۶	
اقدام اجتماعی	۳۴/۴۳۳۱۳	۳۴/۴۳۳۱۵	۱/۷۶۴۳۳	۰/۱۸۵	
اقدام طبیعی	۱۴۱/۷۹۸۳۱	۱۴۱/۷۹۸۳۱	۱۰/۷۶۵۱۱	۰/۰۰۱	
اقدام تفویضی	۲۳۱/۱۴۰۳۵	۲۳۱/۱۴۰۳۵	۷/۶۷۵۱۱	۰/۰۰۶	
اقدام توکلی	۴۵۷/۱۰۴۱۹	۴۵۷/۱۰۴۱۹	۲۷/۹۴۰۸۴	۰/۰۰۰	

داده‌های این جدول مبین آن است که به جز در محور اسناد اجتماعی، در سایر محورهای اسنادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین‌ها (جدول شماره ۱) می‌توان گفت دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش، در محورهای اسنادی نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. به عبارت بهتر، میزان استفاده از محورهای اسنادی (به جز اسناد اجتماعی) در دانش‌آموزان عادی بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، مبین آنند که در استفاده از رهیافت‌های مقابله مذهبی و غیرمذهبی، بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد. نتایج مطالعه برای محورهای اقدامی پرسشنامه راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی نشان داد که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در تمام محورهای مقابله‌ای اقدامی به جز محور اقدام شخصی تفاوت وجود دارد؛ به عبارت بهتر، دانش‌آموزان عادی در برخورد با حوادث و رخداد‌های چالش‌انگیز زندگی، از روش‌های مقابله عمل‌گرایانه (رفتاری) بیشتری سود می‌جویند. آنان در برخورد با چنین موقعیت‌هایی، از افراد دیگر، عوامل طبیعی و مذهبی استمداد می‌کنند. در عین حال، با توجه به محورهای اسنادی (یا بعدشناختی پرسشنامه‌ی راهیابی در حوادث و رخداد‌های زندگی) دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش، علل رویدادها یا قرار گرفتن در موقعیت چالش‌انگیز را بیشتر به عوامل طبیعی، شخصی و مذهبی نسبت می‌دهند. اما از لحاظ استمداد از دیگران (اسناد اجتماعی) تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از دانش‌آموزان ملاحظه نمی‌شود.

یافته‌های فوق در خصوص تفاوت رهیافت‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی را می‌توان با توجه به محورهای مقابله‌ی مذهبی (تفویضی و توکل) بیشتر مورد تحلیل قرار داد. در استفاده از رهیافت‌های مقابله مذهبی ملاحظه شد که دانش‌آموزان عادی از این رهیافت‌ها بیشتر از دانش‌آموزان تیزهوش استفاده می‌کنند؛ اما دانش‌آموزان عادی اقدام تفویضی (توکل به خدا^۱ - بعد منفعل) را بیشتر از دانش‌آموزان

1- trust in God

تیزهوش انتخاب کرده‌اند (یعنی آنان در چنین موقعیت‌هایی نسبت به دانش‌آموزان تیزهوش تلاش شخصی کمتری انجام می‌دهند).

افزون بر مقایسه‌ی دو گروه از دانش‌آموزان، یافته‌های مطالعه برای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی به طور جداگانه نیز قابل تحلیل است. یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهند که در دانش‌آموزان تیزهوش، اقدام شخصی و اقدام توکلی بیشتر از سایر محورهای اقدامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در دانش‌آموزان عادی نیز اقدام توکلی و شخصی بیشتر از سایر محورهای اقدامی مطرح شده‌اند. در محورهای اسنادی نیز محور اسناد مذهبی بیشتر از محورهای اسناد غیرمذهبی ارایه شده است، این بیان تا حدی با «فرضیه‌ی خدای خلاءها» هماهنگ است، یعنی کمک خواستن از خدا در شرایط غیرعادی و تغییردهنده زندگی افزایش می‌یابد (گورساج و اسمیت^۱، ۱۹۸۳؛ لاپفر و همکاران^۲، ۱۹۹۶؛ مینر و مک نایت^۳، ۱۹۹۹).

همچنین، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش پارگامنت و هان^۴ (۱۹۸۶) همخوانی دارد، آنان به این نتیجه رسیده‌اند که در موقعیت‌های منفی، آزمودنی‌ها بیشتر به خدا رجوع می‌کنند تا برای موقعیت معنا پیدا کنند و احساسات خود را درباره‌ی رفتار خود و وقایع اطراف بیان نمایند. بنابراین، می‌توان گفت چون در این پژوهش، تمام موقعیت‌های مطرح شده منفی بودند؛ روش‌های مذهب‌گرایانه بیشتر انتخاب شده‌اند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. برای بررسی رهیافت‌های مقابله‌ای، از موقعیت‌های مفروض استفاده شده است؛ بدیهی است که پاسخ افراد به موقعیت‌های مفروض با نحوه‌ی پاسخدهی آنان در شرایط واقعی و طبیعی چندان مطابقت نمی‌کند. بر این اساس، اگر بتوان این پژوهش را در موقعیت‌های واقعی طبیعی (نه واقعی تصنعی که ملاحظات اخلاقی نیز این امکان را نمی‌دهد) انجام داد، شاید بتوان

1- Gorsuch & Smith
3- Miner & Mcknight

2- Lupfer et al
4- Pargament & Hahn

به نتایج متفاوتی رسید. محدودیت دیگر پژوهش در خصوص اعتبار برونی یافته‌های پژوهش می‌باشد. با توجه به انجام این تحقیق در شهر تبریز، تعمیم یافته‌ها به سایر دانش‌آموزان و نیز گروه‌های غیردانش‌آموزی (مانند دانشجویان، افراد بزرگسال در مشاغل مختلف مانند مربیان، معلمان و ...) با محدودیت‌هایی مواجه است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر با گروه افراد بزرگسال انجام گیرد. از سوی دیگر، می‌توان رابطه‌ی رهیافت‌های مقابله‌ای با مؤلفه‌های سازگاری روان‌شناختی را که در برخی از پژوهش‌ها نیز مد نظر قرار گرفته است (مانند بواله‌ری و همکاران، ۱۳۸۰، غباری و همکاران، ۱۳۸۰) مورد بررسی قرار داد. بررسی این رابطه در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی می‌تواند در تحقیقات آینده مد نظر قرار گیرد.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۸۷/۷/۱۳

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۸۷/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۲/۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

منابع

- بوالهری، جعفر؛ احسان‌منش، مجتبی و کریمی‌کیسمی، عیسی (۱۳۸۰). طرح بررسی رابطه‌ی بین عوامل تنش‌زا، میزان توکل به خدا و نشانگان استرس در دانشجویان پزشکی، تهران: انستیتو روانپزشکی تهران.
- غباری‌بناب، باقر، خدایاری‌فرد، محمد؛ شکوهی‌یکتا، محسن و علی‌نقی، فقیهی (۱۳۸۰). رابطه‌ی توکل به خدا با اضطراب و صبر و امیدواری در شرایط ناگوار در دانشجویان دانشگاه تهران، ارایه شده در اولین همایش نقش دین در بهداشت روانی، تهران، ۲۴-۲۷ آذرماه، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- غباری‌بناب، باقر (۱۳۷۹). طرح تهیه‌ی مقیاس اندازه‌گیری توکل به خدا، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- Beit, H., & Argyle, M. (1997). *The Psychology of Religion: Behaviour, Belief and Experience*, London: Routledge.
- Corsini, R. (2002). *The Dictionary of Psychology*, New York: Brunner-Routledge.
- Gorsuch, R.L., & Smith, G.S., (1983). Attribution of Responsibility to God: An Introduction of Religious Beliefs and Outcomes, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22, 340-352.
- Hayden, B., Bosworth, Kwang-Soo P., & Douglas, R.M. (2003). The Impact of Religious Practice and Religious Coping on Geriatric Depression, *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 18(10), 905-913.
- Koenig, H.G., Choen, H.J., Blazer, D.G., Kudeler, H.S., Krishnan, K.R., & Silbert, T.E. (1995). Religious Coping and Cognitive Symptoms of Depression in Elderly Medical Patients, *Journal of Psychosomatics*, 36, 369-375.
- Kolchakian, M.R.; Sears Jr., Samuel, F., (1999). Religious Coping in College Students, *Journal of Religion & Health*, 38(2), 115-127.
- Lovecky, D.V. (1998). Spiritual Sensitivity in Gifted Children, *Roepers Review*, 20, 243-248.
- Lupfer, M.B., Tolliver, D., & Jackson, M. (1996). Explaining Life-Altering Occurrences: A Test of the "God of the Gaps" Hypothesis, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 35, 379-385.

- Miner, M.H., & Mcknight, J., (1999). Religious Attributions: Situational Factors and Effects on Coping, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 38, 274-286.
- Pargament, K.I., & Hahn, J. (1986). God and Just World: Causal and Coping Attribution to God in Health Situations, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 25, 193-207.
- Pargament, K.I., Tarakeshwar, N., Ellison, C.G., & Wulff, K.M. (2001). Religious Coping among the Religious: The Relationships between Religious Coping and Well-being in a National Sample of Presbyterian Clergy, Elders, and Members, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40(3), 497-513.
- Pepitone, A., & Saffiotti, L., (1997). The Selectivity of Nonmaterial Beliefs in Interpreting Life Events, *European Journal of Social Psychology*, 27, 23-35.
- Pieper, J.Z.T. (2004). Religious Coping in Highly Religious Psychiatric Inpatients, *Mental Health, Religion & Culture*, 7(4), 349-363.
- Preuss, L.J., & Dubow, E.F., (2004). A Comparison between Intellectually Gifted and Typical Children in Their Coping Responses to a School and a Peer Stressor, *Roepers Review*, 26, 105-112.
- Spilka, B., (1989). Functional and Dysfunctional Roles of Religion: An Attributional Theory, *Journal of Psychology and Christianity*, 8, 5-15.
- Suldo, S.M., Shaunessy, E., & Hardesty, R. (2008). Relationships among Stress, Coping, and Mental Health in High-Achieving High School Students, *Psychology in the Schools*, 45 (4), 273-290.
- Swiatek, M.A. (1995). An Empirical Investigation of the Social Coping Strategies Used by Gifted Adolescents, *National Association for Gifted Children*, Department of Psychology, State University of New York.
- Wallston, K.A., Malcarne, V.L., Flores, L., Hansdottir, I., Smith, C.A., Stein, M.J., Weisman, M.H., & Clements, P.J. (1999). Does God Determine Your Health? The God Locus of Health Control Scale, *Cognitive Therapy and Research*, 23, 131-142.
- Westen, (2002). *Psychology: Brain, Behavior and Culture*. New York: Wiley.